

فانتزی عرفانی

سوررئال و  
رمزآلود

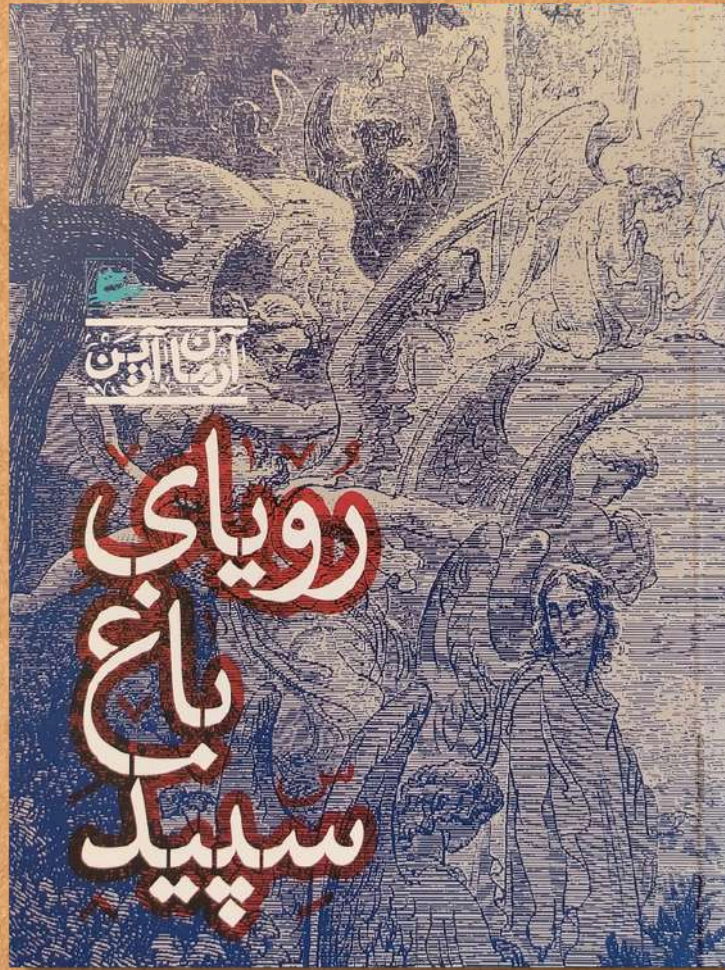


ورق بزن تا  
بهت بگم

نبرد  
فرشتگان  
و دیوان

پاسخی برای  
دغدغه‌های بشری





«رویاى باغ سپید»:  
داستانی درباره سینتامینو

نویسنده: آرمان آرین

نشر پریان - ۱۳۹۶

مردی جوان و نویسنده، با دغدغه‌های امروزی و لبریز از پوچی و افسردگی، در گشت و گذاری شبانه با اتوموبیلش در تهران، با مردی غریبه روبرو می‌شود و از روی نیکخواهی او را سوار می‌کند تا به مقصد برساند. همه چیز از همین اتفاق آغاز می‌شود. مرد نویسنده که درگیر روزمرگی‌های دنیای معاصر و استعمال سنگین دخانیات و بیماری‌های خویش است به لطف این غریبه و با حرکتی ماورایی، از آلودگی‌هایش پاکیزه می‌شود و بطرزی معجزه‌وار شفا می‌یابد. بنابراین پس از چند روز و با حیرت از آنچه برایش رخ داده، برای سپاس‌گویی نزد غریبه که منزلش را به خاطر دارد، باز می‌گردد و به دعوت او و برادران عجیبش، برای یک شب، مهمان خانه‌باغی می‌شود که ظاهری زمینی دارد اما در واقع محل آمد و رفت موجوداتی شگفت‌آور است!

راوی در همان یک شب، شاهد مجلسی عجیب می‌شود. مجلسی که به میزبانی ساکنان اهورایی حاضر در آن خانه‌باغ، در مقابل دیوان و میهمانانی اهریمنی برگزار می‌گردد و مرد نویسنده کمی بعد درمی‌یابد که جلسه‌ای میان نیروهای روشنایی و تاریکی در سراسر یک قرن بوده است! پس قهرمان-راوی داستان که خود را در فضایی رمزآلود می‌یابد، تمایل پیدا می‌کند که از اسرار آن مکان و ساکنانش آگاه شود. بنابراین میزبانان خود را مورد پرسش قرار می‌دهد و اینگونه است که آرام‌آرام درمی‌یابد میزبانانش امشاسپندان هستند، فرشتگانی در ظاهر انسانی اما مأمور به انجام وظایفی ازلی و ابدی بر زمین که هر یکی مسئولیتی را بر دوش خویش دارد.

مرد نویسنده، نخست با ناباوری نسبت به این وقایع و سخنان برخورد می‌کند اما بعد در برابر یک سلسله از رخدادها که خود شاهد دست‌اول آنهاست و سرانجام رویارو شدن با رئیس آن جماعت که «سپنتامینو» نام دارد، به پاسخ تمامی پرسش‌های اصلی و فلسفی خود در زندگی‌اش می‌رسد. او در نهایت و با فرا رسیدن صبحگاه، خود را در موقعیتی می‌یابد که دیگر با دیدی نو به هستی می‌نگرد و برای بازگشتن به دنیای عادی انسانی خارج از آن باغ نیز مسئول روایت دیده و شنیده‌هایش برای هم‌نسلان خویش است.

گرچه او در پایان داستان می‌فهمد که آن شب، یک شب معمولی نبوده و در خارج از آن خانه‌باغ، چند نسل از آدمیان آمده و رفته‌اند! یعنی او اینک همه‌ی خانواده، نامزدش و زندگی‌اش را پشت‌سر نهاده و حالا در بازگشت به دنیای انسانی، بسان اصحاب کهف یا گرشاسپی تازه برخاسته از طلسم و جادو یا حتی فضانوردی بازگشته از سیاره‌ای دوردست شده است که باید شاهد و گواه آنچه دیده و دانسته، در میان آدمیان باشد!

امشاسپندان که به معنای جاودانان پاک یا مقدّسان بی‌مرگ است، در جغرافیای اندیشگی زرتشتی، فرشتگانی هستند که واسطان اصلی فیض یزدان با جهان هستند. فروزه‌هایی تجلی‌یافته از ذات ایزدی که بسان پرتوهای نور از خورشید جهانتاب، به هرسو منتشر می‌شوند. داستان «رویای باغ سپید»، داستان آنهاست و آنان یک به یک، به نام و شخصیت و خویشکاری، در بخش‌های آن نمودار می‌گردند؛ نمونه‌ای موجز و کوتاه نسبت به آنچه که چند سال

دیگر آراین نیز به شکل‌های متفاوت رخ می‌دهد و در رویای باغ سپید، در نهایت درجه‌ی خلوص و ایجاز، به‌دور از هر پیرایه و شاخ و برگ‌ی نمودار می‌شود.



به همین منظور، تصویری واضح از امشاسپندان و فرشتگان اهورایی، به ویژه سپنتامینو که در ادیان سامی به نام روح‌القدس شناخته می‌شود - و در نقطه‌ی مقابل آنان، اهریمن و گماله دیوان - به خوانندگان داستان ارائه می‌شود تا برای لحظاتی، آنان را وارد فضایی مینویی کند که در آن وهومن به شکل انسانی نیکوکار، آشا جوان‌مردی آگاه و سپنتامینو خردمندی خوش‌خلق و اسرارآمیز مجسم گشته‌اند. نثر داستان گیراست و آن قدر کشش و

بعد، آرمان آراین به گونه‌ای پیچیده‌تر و عظیم‌تر در پنج‌گانه‌ی بی‌نظیر پتش‌خوارگر آفرید. شیوه‌ای که در تمامی آثار او بسان موتیفی آزاد - هربار به شکلی - خویش را نمایان می‌سازد تا طبق معمول با یک تیر، چند نشانش را بزند... یعنی هربار در قالب یک داستان گیرا با پرداخت داستانی غافلگیرکننده، هم راهگشای آموزش بسیاری از جنبه‌های فراموش‌شده‌ی فکر و فرهنگ ایرانی به انبوهی از نوجوانان و جوانان امروزی شود، هم با تسلطی که بر فرهنگ باستانی و ادیان کهن ایرانی دارد، احیائی رنسانس‌گونه را برای جزء و کل اساطیر، تاریخ و عرفان ایرانی رقم زند و هم مخاطبانش را با نوعی از اقتباس آزاد و بازآفرینی خلاق روبرو سازد که نه سبب جمود فکر در ادوار کهن یا دعوت به ارتجاع و نژادپرستی، بلکه موجب فعال شدن قوه‌ی اندیشه آنها برای زندگی در عصر معاصر شود.

«رویای باغ سپید» در قالب داستانی بلند، سوررئال و رمزآلود، از زبان اول شخص برای گروه سنی نوجوان و بزرگسال (همه‌سالان) در ۸۸ صفحه روایت می‌شود. داستان با وجود ایجازش، دریچه‌ای است که مخاطب را به یکباره به اندیشه‌های اهورایی وارد می‌سازد و با زبانی داستانی و روان، از اسطوره‌ی آفرینش و حکمت هستی با دیدگاه زرتشتی (و البته مه‌ری، زُروانی، مانوی و آذرهوشنگی) سخن می‌گوید. روایت نبردی ازلی میان خیر و شر با حضور شاهدی انسانی که در آغاز نفی می‌کند ولی در انتها، خود به بخشی از شاخه‌های درخت اثبات، بدل می‌شود. نبردی که در کتاب‌های



از آرزوی

# روپای ما سپید

جذابیت دارد که مخاطب را تا انتها به دنبال خود بکشد و اینگونه با روشی سهل و ممتنع، از ازل تا به ابد، آفرینش هستی و خویشکاری امشاسپندان و فرشتگان و آدمیان را با نگاهی نو به هستی، به خواننده‌ی نوجوان و جوان خویش عرضه دهد. ظرائف و ریزه‌کاری‌های دانشی اثر نیز امری قابل‌توجه و تقدیر هستند زیرا نویسنده آنچنان به موضوعات مورد استفاده‌اش احاطه دارد و چنان پژوهشگر عمیقی است که می‌توان به راحتی به آموزه‌های معنوی‌اش اعتماد کرد، دل سپرد و اثرش را به نوجوانان ایرانی و غیرایرانی و علاقه‌مندان به اسطوره‌ها و فرهنگ کهن پیشنهاد داد.

این موضوعی است که کمتر نویسنده‌ای به خود جرأت داده و خویشتن را موظف دانسته که به آن پردازد و در ادبیات ما، به خصوص ادبیات نوجوان، بسیار کم‌رنگ است. اما آرمان آرین از معدود نویسندگانی‌ست که در کتاب‌های گوناگونش، به ویژه در کالبد داستان، به اساطیر و فرهنگ باستانی ایران پرداخته و توانسته نثر دشوار و جهان‌پیچیده‌ی آثاری چون اوستا و بدهش را در آثارش به صورت فضاها و دیالوگ‌ها و روایت‌هایی داستانی و جذاب بدل کند، به گونه‌ای که حتی نوجوان سخت‌پسندِ امروزی نیز جذب آن و کنجکاو برای کنکاش در جهان آن شود.

پایان